



فصل‌نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر
شماره چهل و نهم - پاییز ۱۴۰۰ - از صفحه ۵۱ تا ۶۷
<http://jpll.iaubushehr.ac.ir>
۴۳۱۸-۲۷۱۷ شاپا چاپی ۴۳۰۱-۲۷۱۷ شاپا الکترونیکی



مقاله پژوهشی

بررسی و تحلیل تمثیلی شخصیت‌های رمان سووشون از سیمین دانشور (با رویکرد به شخصیت زری، یوسف، سر جنت زینگر و مک‌ماهون)

زهره شوریابی^۱، مهدی نوروز^{۲*}، بتول فخر اسلام^۳، فرزاد عباسی^۴

چکیده

تمثیل به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای ادبی برای بیان مفاهیم مختلف غنایی، تعلیمی، حماسی، عرفانی و ... مورد استفاده قرار می‌گیرد. این میزان از انعطاف‌پذیری، موجب تداوم نقش‌آفرینی تمثیل در حوزه ادبیات شده است، به طوری که در گستره ادبیات داستانی فارسی معاصر نیز شاهد کاربرد آن هستیم. در این بین، رمان سووشون از سیمین دانشور دارای لایه‌های رمزی و تمثیلی است که بر پیچیدگی‌ها و تنوع معنایی آن افزوده است. در این تحقیق با استناد به منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی سعی شده است اغراض اولیه و ثانویه سیمین دانشور در رمان سووشون بررسی و کاویده شود تا به این پرسش پاسخ داده شود که شخصیت‌های زری، یوسف، سر جنت زینگر و مک‌ماهون، تمثیلی از چه افرادی هستند و برای تبیین چه مفاهیمی خلق شده‌اند؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در این رمان، شخصیت زری تمثیلی از مؤلف (سیمین دانشور) و جنس زن است. شخصیت یوسف، تمثیلی از امام حسین (ع)، سیاوش و قشر روشنفکر به ویژه جلال آل احمد است. همچنین، شخصیت سر جنت زینگر و مک‌ماهون تمثیلی از استعمار هستند. در این رمان، استفاده از اسطوره‌های ایرانی و سامی برای پرورش تمثیل‌ها برجسته بوده است.

واژگان کلیدی: سیمین دانشور، سووشون، تمثیل، شخصیت پرداز

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۱۵

۱- دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

Zahra.shooriabi@gmail.com

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران. (نویسنده مسئول)

mahdinovrooz@yahoo.com

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران. Bt_Fam12688@gmail.com

۴- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران. Javadaba@gmail.com

۱. مقدمه

تمثیل همواره در گستره ادب فارسی انعکاس داشته است و یک شگرد ادبی محسوب می‌شود، نویسندگان بی شماری، بخشی از نظام فکری خود را با استفاده از ظرفیت‌های این صنعت ادبی با مخاطبان در میان گذاشته‌اند.

با توجه به این اصل که «تمثیل بیان حکایت و روایتی است که هرچند معنای ظاهری دارد، اما مراد گوینده معنای کلی دیگری است» (شمیسا، ۱۳۷۴؛ ۷۹)، در این مقاله برای تحلیل رمان سوشون دو لایه ظاهری و ژرف در نظر گرفته شده است که شخصیت‌های حاضر در داستان و بسیاری از مفاهیم پنهان در متن، غیر از معنای اصلی، دارای اغراض ثانویه هستند. زری، شخصیتی چند وجهی دارد؛ یکی از تمثیل‌های مرتبط با او، مؤلف رمان است. وجه تمثیلی دیگر شخصیت زری، قابل تعمیم بودن او به کلیت زنان جامعه ایرانی است که با دغدغه حفظ آرامش خانواده، شخصیتی دگرگون شونده نیز دارد، او با پیشینه‌ای سنتی و غیر بومی در روند داستان دچار تحولاتی می‌شود که به جای سکوت در برابر ستم، راه مبارزه و ایستادگی را انتخاب می‌کند.

یوسف تمثیلی‌ترین شخصیت در این رمان است که مخاطب را به مجموعه‌ای از تمثیل‌های دینی، اسطوره‌ای، تاریخی و ملی و شخصی می‌رساند. شخصیت یوسف به خاطر روشنفکری صریح و منفرد، معادل جلال آل احمد است. دانشور یوسف را شبیه سیاوش و امام حسین (ع) نیز ترسیم کرده تا ارتباطی دو سویه و اثرگذار میان فرهنگی ایرانی- اسلامی برقرار کند.

شخصیت‌های سرجت زینگر و مک ماهون تمثیلی از استعمار هستند. آن‌ها اقداماتی انجام داده‌اند که نمود عملی و عینی کنش‌های استعماری انگلیس در ایران است. نویسنده با خلق این دو شخصیت، این موضوع را به خوبی بازنمایی کرده است.

۱-۱. بیان مسأله

سوشون رمانی از سیمین دانشور است که برای نخستین بار در سال ۱۳۴۸ منتشر شده است. داستان این اثر در شهر شیراز و از سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم روایت می‌شود و فضای اجتماعی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ را ترسیم می‌کند. این اثر به زبان‌های مختلف از جمله انگلیسی، فرانسوی، ایتالیایی، ژاپنی و چینی ترجمه شده است. نویسنده در ابتدای داستان به درون‌مایه کلی اثر خود اشاره می‌کند و مخاطبان را در جریان سیر تطور روایت قرار می‌دهد که می‌توان این شگرد را نوعی براعت استهلال دانست. راوی در کلیت رمان تغییر پیدا می‌کند و گاهی نویسنده و گاهی یکی از شخصیت‌ها

این وظیفه را برعهده می‌گیرند که این امر در انتقال اطلاعات متنوع به مخاطب تأثیرگذار است. با عنایت به این مطلب که وقایع رمان در شیراز روی داده است، شاهد استفاده از اصطلاحات بومی این منطقه در رمان هستیم. سووشون دارای دو وجه واقع‌گرا و نمادگراست و ساختاری دولایه دارد. نویسنده در این رمان به مقولهٔ پایداری در برابر استعمارگران اشاره می‌کند و کشته‌شدن در این راه را دارای ارزشی والا می‌داند. افزون بر این، دانشور با نگاه زنانهٔ خود، سعی می‌کند شخصیتی چون زری را خلق کند و به او بال و پر بدهد تا این پیام را به مخاطبان زن خود انتقال دهد که جامعه برای رسیدن به تعالی و شکوفایی نیاز به نقش‌آفرینی زنان و مردان در کنار هم دارد. زری نمایندهٔ زنان ترقی‌یافته‌ای است که با گذر از فرهنگ مردسالار به خودباوری رسیده‌اند. افزون بر زری، شخصیت‌های دیگری هم در رمان سووشون حضور دارند که نمایندهٔ گروه خاصی از جامعه هستند. «هریک از شخصیت‌های داستان عملکرد و روحیهٔ گروه اجتماعی خاصی را مجسم می‌کنند، اما هیچ‌یک در حد یک تیپ باقی نمی‌مانند و با فردیت خاصی که دارند، به سادگی از یکدیگر تشخیص داده می‌شوند.» (میرعابدینی، ۱۳۶۹: ۲۷۳-۲۷۲) گلشیری بیان رمان سووشون را رمزی و تمثیلی دانسته و برای آن دو معنای نزدیک و دور قائل شده است: «مخاطب در نگاه نخست، معنای اول را درمی‌یابد، اما خوانندهٔ آزموده معنای دور را هم استنباط می‌کند. با دریافت معنای دور، معنای نزدیک فراموش نمی‌شود؛ زیرا سطح ظاهری یا معنای نزدیک، صرفاً نشانه و انتزاع نیست. معنای بیان رمزی باعث شده است که پیام رمان نسبت به وقایع زمان وقوع داستان (اشغال ایران به دست متفقین) و کودتای ۲۸ مرداد قابل استنباط باشد.» (گلشیری، ۱۳۷۲: ۲۰۵)

سیمین دانشور در رمان سووشون ظرافت‌های ادبی متعددی را به کار می‌گیرد تا مفاهیم مورد نظر خود را که جنبه‌ای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دارند با کیفیت بهتری در اختیار مخاطبان قرار دهد و بر گسترهٔ درک و دریافت آنان از مسائل پیرامونی بیفزاید. او در رمان سووشون به مانند نویسنده‌ای مسئول عمل می‌کند و با احترام به قواعد خویشکاری ادبی و تعهد اجتماعی، بحران‌های حاضر در جامعهٔ آن زمان ایران را شرح می‌دهد که در این بین، دغدغهٔ استعمارستیزی و تلاش برای احقاق حق از آن جمله است. در بازنمایی و تبیین این مفهوم بنیادی، شگرد ادبی تمثیل جایگاه ویژه‌ای دارد. او با کاربست این تکنیک، کلام خود را چندلایه کرده و در عین حال که رمان او پاسخ‌گوی نیازهای آن روز است، به مسائلی اشاره می‌کند که ورای زمان و مکان هستند. این ویژگی با استفاده از ابزار ادبی تمثیل محقق شده است؛ زیرا دانشور در رمان سووشون شخصیت‌هایی را آفریده و به واسطهٔ پرورش آنها موضوعاتی را شرح داده و به مخاطبان ارائه کرده است که صرفاً برای مخاطبان آن روزها و سال‌ها آشنا

و ملموس نیستند و در دوره‌های دیگر نیز، از سوی مخاطبان پذیرفته می‌شوند. با عنایت به این توضیحات، مسأله و هدف اصلی تحقیق، پرداختن به چگونگی کاربست تمثیل از سوی دانشور برای شخصیت‌سازی در رمان سووشون است. از آنجا که رمان تمثیلی معاصر فارسی در مقایسه با برخی دیگر از انواع رمان پدیده‌ای نوظهور است و در این زمینه کمتر کار شده است، بنابراین تحلیل تمثیلی شخصیت‌های این اثر، به عنوان یک رمان تمثیلی معاصر، ضرورت پیدا می‌کند تا به شناخت سبک اثر و صاحب آن چیزی افزوده شود. سؤالات اصلی تحقیق عبارتند از:

- شخصیت‌های زری، یوسف، سر جنت زینگر و مک‌ماهون، تمثیلی از چه افرادی هستند؟
- دانشور با خلق این شخصیت‌ها چه مفاهیمی را تبیین کرده است؟
- دانشور با در نظر داشتن چه پیشینه‌ای، شخصیت‌های اصلی این رمان را خلق کرده است؟

۲-۱. روش تحقیق

پژوهش حاضر با استناد به منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی تدوین شده و برای گردآوری داده‌ها از یادداشت‌برداری استفاده شده است. ساختار کلی مقاله به این شکل است که ابتدا توضیحاتی درباره تمثیل و تعاریف مربوط به آن ارائه می‌شود. سپس، شخصیت‌های اصلی رمان سووشون از دید تمثیلی تحلیل و بررسی می‌شود. جامعه آماری، رمان مذکور و حجم نمونه بخش‌هایی است که به شخصیت زری، یوسف، سر جنت زینگر و مک‌ماهون مربوط می‌شود. همچنین، در بخش نتیجه‌گیری، ضمن پرداختن به آراء تمثیلی دانشور، مهم‌ترین اغراض ثانویه او از خلق شخصیت‌های مذکور، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. پیشینه تحقیق

احتمالاً تاکنون در هیچ پژوهش مستقلی به تمثیل‌های رمان سووشون با رویکرد به شخصیت‌ها پرداخته نشده است. از این‌رو، در مقاله حاضر برای نخستین بار به این خلأ پژوهشی پرداخته می‌شود. با این حال، در چند تحقیق به صورت جزئی و گذرا اشاره‌هایی به نقش تمثیل در سبک داستان‌نویسی دانشور شده است که عبارتند از: رنجبر (۱۳۹۱) در مقاله «جنبه‌های نمادین رمان سووشون» به این نتیجه رسیده که بعد رمزی آن عمق تاریخی-فرهنگی و جنبه فلسفی خاصی به آن داده است. لایه روایی آن، داستانی جذاب با مظاهر فرهنگ و تمدن ایرانی و با اوصاف شاعرانه است، اما لایه زیرین و رمزی آن، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و شکست جبهه ملی و خدمت و خیانت تعدادی از رجال مؤثر در این واقعه

است. در این تحقیق اشاره‌ای به ابعاد تمثیلی شخصیت‌های اصلی رمان نشده و توضیحات به صورت سطحی بوده است. تالطف (۱۳۹۱) در مقاله «داستان‌های سیمین دانشور: تمثیل‌هایی از تعهد، تقابل و تعامل» به این نتیجه رسیده است که زری پس از مرگ یوسف دچار تحولات عمیق فردی می‌شود و از شخصیتی فردگرا به انسانی مبارز و عدالت‌خواه بدل می‌گردد. از این بابت، می‌توان زری را تمثیلی از زنان آزاده جامعه ایرانی دانست که به توانایی خود تکیه می‌کند.

۴-۱. مفاهیم تخصصی تحقیق

۴-۱-۱. تعریف و انواع تمثیل: تمثیل یک شگرد ادبی است و همواره در گستره ادب فارسی انعکاس داشته است. ادبا با استفاده از ظرفیت‌های این صنعت ادبی، بخشی از نظام فکری خود را با مخاطبان در میان گذاشته‌اند. تمثیل «عبارت است از بیان یک عقیده یا یک موضوع، نه از طریق بیان مستقیم» (پورنامداریان، ۱۳۶۸: ۱۱۹) از لحاظ زیبایی‌شناسی، تمثیل «تشبیهی است که وجه‌شبه در آن با نوعی تأویل و توضیح به دست می‌آید». (جرجانی، ۱۳۷۴: ۵۰) شاعر منظور خود را در لایه‌های مختلف مطرح می‌کند و مخاطب با چینش سطوح گوناگون در مجاورت هم، نسبت به غرض بنیادین به-کارگیرنده تمثیل آگاهی پیدا می‌کند. بر این پایه، «تمثیل ... حداقل دو لایه معنایی دارد: لایه اول، همان صورت قصه (اشخاص و حوادث) و لایه دوم، معنای ثانوی و عمیق‌تری است که در ورای صورت می‌توان جست». (فتوحی، ۱۳۸۴-۱۳۸۳: ۱۵۴) پی بردن به تمثیل به عنوان نوعی داستان در دو یا سه لایه امکان‌پذیر است. تمثیل راهی برای بازنمایی احساس و اندیشه درباره اشیا و نوع نگرش به آنهاست. (Cuddon, 1995: 25-24)

می‌توان به ابعاد زیبایی‌شناسی تمثیل توجه کرد؛ زیرا «موجب آرایش سخن و تقویت بنیه سخن می‌شود و گاه باشد که آوردن یک مثل در نظم یا نثر و خطابه و سخنرانی، اثرش در پروراندن مقصود و جلب توجه شنونده بیش از چندین بیت منظوم و چند صفحه مقاله و رساله باشد». (همایی، ۱۳۸۵: ۳۵۵) بنابراین، تمثیل در ایجازسرایی شاعران اثرگذاری مطلوبی دارد و مانع اطناب در سخن آنان می‌شود. به بیان دیگر، می‌توان پیامی ثقیل و مهم را که نیاز به تشریح و تبیین مفصل دارد، با کمک تمثیلی کوتاه بازگو کرد. این آرایه بر اعتبار و کیفیت سخن می‌افزاید و به لحاظ محتوایی آن را غنی‌تر می‌کند. «هرگاه تمثیل در امتداد کلام قرار گیرد یا آنکه تمثیل جایگزین سخن گردد و از صورت اعلی به صورت مثل درآید، آن را شکوهی شایسته فراگیرد و فضیلتی والا به دست آورد که بر مقدار آن بیفزاید». (جرجانی، ۱۳۷۴: ۵۲) ابن اثیر برای تمثیل دست‌کم سه ویژگی در نظر می‌گیرد که عبارتند از:

مبالغه، بیان و ایجاز. (ابن اثیر، ۱۴۲۲ ق، ج ۲: ۱۳۲) معمولاً برای کاربست تمثیل در متون ادبی دو دلیل اصلی ذکر شده است: الف) به این دلیل که مثل غالباً رایج و ذهن همگان به آن آشناست و به انتقال معنی کمک می‌کند و در عین ایجاز، از عهده این مهم برمی‌آید. ب) مفاهیم با اشاره‌ای لطیف به ذهن دیگران راه می‌یابد و این طرز بیان از تصریح، بلیغ‌تر و شیرین‌تر است. (یوسفی، ۱۳۷۰: ۵۷۵) در تمثیل، «روایت عیناً خود واقعیت نیست، بلکه نمونه همسان با واقعیت است. پس، واقعیت‌های تمثیلی، اغلب عاریتی، مجازی، مشابه یا مدلولاره‌هایی از واقعیت‌های عینی هستند». (شیری، ۱۳۸۹: ۳۷) به کمک تمثیل، مخاطب خود را در آن موقعیت‌ها حاضر می‌بیند و با بررسی زوایای خفی و آشکار موقعیت‌هایی که برایش ترسیم شده است، ظرفیت‌های معنوی خود را برای مواجه شدن با این شرایط در دنیای واقعی افزایش می‌دهد و بر محدوده بینش و معرفتش می‌افزاید و شخصیت خود را به مرز کمال و شکوفایی نزدیک‌تر می‌کند. همچنین، حس زیبایی‌شناسی وی اقناع می‌شود و به واسطه خوانش تمثیل و پیامی که در ژرفای آن وجود دارد، التذادی رضایت‌بخش را تجربه می‌کند.

۲. بحث اصلی

با توجه به این اصل که «تمثیل بیان حکایت و روایتی است که هرچند معنای ظاهری دارد، اما مراد گوینده معنای کلی دیگری است» (شمیسا، ۱۳۷۴: ۷۹)، در این بخش، برای تحلیل رمان سووشون دو لایه ظاهری و ژرف در نظر گرفته شده است که شخصیت‌های حاضر در داستان و بسیاری از مفاهیم مستتر در متن، غیر از معنای اصلی، دارای غرض‌های ثانویه هستند و این ویژگی بر پیچیدگی و فراگیری اثر می‌افزاید و به این اعتبار که مفاهیم و شخصیت‌ها به صورت تک‌بعدی به کار نرفته‌اند، سووشون را به عنوان اثری فرازمانی و فرامکانی مطرح می‌کند.

۱-۲. شخصیت زری تمثیلی از سیمین دانشور و جنس زن

اصلی‌ترین شخصیت رمان سووشون، زری است. با عنایت به توصیفات که دانشور از او ارائه کرده است، می‌توان تمثیل‌های متنوعی را برای او در نظر گرفت. تمثیل‌هایی که نشان می‌دهد زری شخصیتی چندوجهی دارد. این ویژگی یکی از دلایل اصلی جذاب‌تر شدن متن تولیدی و محبوبیت رمان پس از سال‌هاست. مخاطبان می‌توانند معادل‌های متنوعی را برای شخصیت‌های رمان، به ویژه زری در نظر بگیرند و با آن ارتباط برقرار کنند. یکی از تمثیل‌های مرتبط با زری، مؤلف رمان است. «شخصیت زری معادل سیمین دانشور است». (اسحاقیان، ۱۳۹۱) نویسنده ویژگی‌ها، آرزوها و آرمان‌های خود را در این

شخصیت متبلور ساخته و ای‌بسا در مواردی محدودیت‌های زندگی خود را در قالب شخصیت زری بازتاب داده است. بزرگ علوی هم باور دارد «هرکس سووشون را می‌خواند، از خود می‌پرسد آیا زری در رمان، خود سیمین و یوسف همان جلال آل احمد نیست؟». (علوی، ۱۳۸۳: ۳۱۷) بنابراین، چالش‌های عملی و فکری که این زن در زندگی خود تجربه می‌کند، بازنماینده تنش‌های عینی زندگی شخصی دانشور هستند.

وجه تمثیلی دیگر شخصیت زری، قابل تعمیم بودن او به کلیت زنان جامعه است. او را باید نماد و نمودی از زنان ایرانی دانست که در فرهنگ مردسالار رشد کرده‌اند و دارای ضعف‌های بسیاری هستند. دانشور سعی می‌کند با خلق و پرورش این شخصیت، ذهنیت غالب در میان زنان جامعه را نسبت به خودشان تغییر دهد و به آنها بگوید که در صورت تمایل و تلاش، می‌توانند از جایگاه نامطلوب فعلی خود دور شوند و به انسانی آزاده، فارغ از مرزهای جنسیتی بدل شوند. بنابراین، زری تمثیلی از فرآیند فردیت و رشد جنس زن در محیطی مردانه است. سیر تحول شخصیت زری در این رمان به خوبی محسوس است. تصویری که از او در بیشتر بخش‌های رمان مشاهده می‌کنیم، یادآور شرایط ایستا و مطیع زنان است. آن‌ها تحت تأثیر هژمونی مردانه قرار دارند و قادر به انجام تصمیمات مهم نیستند. او پس از مرگ همسر خود، یوسف، به قابلیت‌های خود باور ندارد و خویشتن را صرفاً در گستره خانواده محدود کرده است. او به دلیل ضعف بینش، شناخت و تحلیل نمی‌تواند اهداف بزرگ‌تری را ببیند و جامعه و اطرافیان برای او در اولویت قرار ندارند. این طرز رفتار و تفکر، تمثیلی از گروه جمعیتی بزرگ‌تری است که دغدغه‌های سطحی و ابتدایی، آن‌ها را از پرداختن به مسائل عمیق اجتماعی بازداشته است. گفتگویی که میان زری و یوسف درمی‌گیرد، ضعف و انقیاد زنان در برابر مردان را انعکاس می‌دهد: «به طور ترسناکی صریح هستی ... این صراحت تو خطر دارد. اگر من بخواهم ایستادگی کنم، اول از همه باید جلو [ی] تو بایستم و آن وقت چه جنگ اعصابی راه می‌افتد! می‌خواهی باز حرف راست بشنوی؟ پس بشنو. تو شجاعت مرا از من گرفته‌ای ... آن قدر با تو مدارا کرده‌ام که دیگر عادت شده». (دانشور، ۱۳۸۱: ۷۳-۷۲)

زری نگاهی فراشخصی ندارد و تنها به نیک‌انجامی خود و خانواده‌اش می‌اندیشد. او از تقابل و تنش میان یوسف با بیگانگان هراسناک است و برهم خوردن آرامش ظاهری را نمی‌پذیرد. از این بابت، می‌توان زری را تمثیلی از زنان ایستا، منفعت‌گرا و غیرمتعهد دانست که اولویت‌های او جنبه‌ای فراگیر ندارد و گستره محدودی را دربر می‌گیرد: «زری گریه‌کنان گفت: هر کاری می‌خواهند بکنند، اما جنگ

را به لانه من نیاورند. به من چه مربوط که شهر شده عین محله مردستان ... شهر من، مملکت من همین خانه است، اما آنها جنگ را به خانه من هم می‌کشاند». (همان: ۱۸)

زری یا زهرا خانم، شخصیت اصلی داستان، زن جوان تحصیل کرده‌ای است که دغدغه‌ای جز حفظ آرامش خانواده ندارد. او شخصیتی دگرگون‌شونده دارد و در اثر وقایعی که اتفاق می‌افتد، متحول می‌شود و اهداف جسورانه همسرش را ادامه می‌دهد. (دستغیب، ۱۳۷۲: ۴۰) زری در دوره اول زندگی خود با اینکه شخصیتی کنشگر ندارد، اما دارای ویژگی‌های مطلوبی است که از این بین می‌توان به نجابت او اشاره کرد. این صفت او، تمثیلی از نجابت زن ایرانی است. زری هنگامی که سر جنت زینگر - به عنوان تمثیلی از استعمار و تهاجم فرهنگی - از او برای رقصیدن دعوت می‌کند، روحیه و منش شرقی خود را حفظ می‌کند و به این فرد پاسخ منفی می‌دهد. همراه نشدن زری با زینگر، تمثیلی از تلاش زن ایرانی برای حفظ استقلال فرهنگی است: «سر جنت زینگر آمد جلو زری. پاهایش را بهم جفت کرد که درق صدا داد و تعظیم کرد و گفت: برقصیم؟ زری عذر خواست. زینگر شانه‌اش را بالا انداخت و رفت سراغ خانم حکیم. زری به شوهرش نگاه کرد که چند صندلی آن‌طرف‌تر نشسته بود. چشم‌های یوسف او را می‌نگریست ... به او چشمکی زد که دلش را فشرد». (دانشور، ۱۳۸۱: ۱۲-۱۱)

رویکرد اصلی دانشور در رمان، نشان دادن وضعیت زن در عصر جدید است. عصری که قدرت علم و فن، بسیاری از موانع جوامع فئودالی را درهم شکسته و فکر آزادی را برجسته و مهم کرده است. (دستغیب، ۱۳۷۷: ۸۰) بنابراین، شخصیتی چون زری با پیشینه‌ای سنتی و غیرپویا در ادامه روند داستان دچار تحولاتی عمیق می‌شود و به چهره‌ای مطلوب از دید مؤلف بدل می‌گردد. او پس از مرگ یوسف، افق دید خود را دگرگون می‌کند و ضمن کنار گذاشتن یکسونگری و توجه صرف به مسائل شخصی، جامعه و شرایط آن را مورد نظر قرار می‌دهد و سعی می‌کند بجای سکوت در برابر ستم بیگانه و هژمونی مردسالار، راه مبارزه و ایستادگی را انتخاب کند و انقیاد و محافظه‌کاری را کنار بگذارد: «زری گفت: می‌خواستم بچه‌هایم را با محبت و در محیط آرام بزرگ کنم، اما حالا با کینه بزرگ می‌کنم و به دست خسرو تفنگ می‌دهم». (دانشور، ۱۳۸۱: ۲۵۲)

زری پس از نوزایی فکری و فرهنگی به این باور می‌رسد که زنان برای اداره دنیا از شایستگی بیشتری برخوردار هستند. این بدان معناست که زری با تشخیص قابلیت‌های زنانه‌اش به این نتیجه می‌رسد که می‌توان همانند مردان و حتی برتر و بهتر از آنان عمل کند. او که شاهد ویرانی‌های اقتصادی و فرهنگی در کشور خود بوده و آن را ناشی از عدم لیاقت مردان حاکم می‌داند، اینک خواهان دمیده شدن نفسی تازه به شریان کشورداری و حضور زنان در بطن و متن جامعه است تا گفتمانی تازه شکل بگیرد.

گفتمانی که زری در متن ذیل از آن سخن می‌گوید، با آراء فمینیستی که امروزه در گوشه و کنار جهان سر برآورده است، همخوانی و قرابت دارد. تلاش زری که دست‌کم در حد سخن تبلور پیدا می‌کند، تمثیلی از تلاش جنس زن برای رهیدن از سیطرهٔ مطلق مردانه و برهم‌زدن نظم کنونی است: «زری گفت: کاش دنیا دست زن‌ها بود، زن‌ها که زاییده‌اند یعنی خلق کرده‌اند و قدر مخلوق خودشان را می‌دانند ... شاید چون مردها هیچ وقت عملاً خالق نبوده‌اند، آنقدر خود را به آب و آتش می‌زنند تا چیزی بیافرینند. اگر دنیا دست زن‌ها بود، جنگ کجا بود؟». (همان: ۱۹۳)

۲-۲. شخصیت یوسف، تمثیلی از امام حسین (ع)، سیاوش و قشر روشنفکر (جلال آل احمد)

یکی از تمثیلی‌ترین شخصیت‌ها در رمان سووشون، یوسف است. دانشور در اثر خود نشانه‌هایی را بازگو می‌کند که ردیابی آن مخاطب را به مجموعه‌ای از تمثیل‌های دینی، اسطوره‌ای، تاریخی و ملی و شخصی می‌رساند. این امر نشان می‌دهد که ما با شخصیتی پویا و چندوجهی مواجه هستیم که البته، شباهت یوسف به شخصیت‌های متنوع، در مواردی باعث پیچیدگی رفتارهای او شده است. از نظر اسحاقیان (۱۳۹۱) شخصیت یوسف معادل جلال آل احمد است. دستغیب نیز، باور دارد که یوسف تصویری از روشنفکری صریح و خشمگین و منفرد است. روشنفکری که هم چپ را غیراصیل می‌شناسد و هم راست را. هم با زینگر انگلیسی مخالف است و هم با فتوحی نمایندهٔ گروه چپ زمان. (دستغیب، ۱۳۷۲: ۴۰) سیمین دانشور می‌گوید: «در سووشون تقریباً پیش‌بینی مرگ جلال را کردم». (گلشیری، ۱۳۷۶: ۱۶۳)

مهم‌ترین وجه شخصیت یوسف، تقابل او با بیگانگان و تسلیم نشدن در برابر آنان است. او همواره نگاهی بدبینانه به انگلیسی‌ها و مزدوران ایرانی آنان دارد و هرگز تن به مصالحه نمی‌دهد و منافع شخصی را که به واسطهٔ برقراری رابطه با دشمن حاصل می‌شود، فدای میهن‌دوستی خود می‌کند. از این بابت، می‌توان یوسف را همان جلال آل احمد دانست که در بسیاری از آثار خود به مقابلهٔ فرهنگی با غربی‌ها می‌پردازد و اندیشهٔ خودباوری را ترویج می‌دهد. «برخی از اوصاف و گفتارها و رفتارهای یوسف خان از جمله صراحت، صداقت، شهامت، تیزبینی و دخالت در اوضاع زمان و مکان، خواننده را به یاد آثار آل احمد و خصوصاً کتاب غرب‌زدگی او می‌اندازد». (رنجبر، ۱۳۹۱: ۹۶) هر دو شخصیت سعی کرده‌اند برای ایجاد تحولات بنیادین در سطح فکر و رفتار مردم تلاش‌هایی انجام دهند. آل احمد با نوشتن کتاب و مقاله به این مهم توجه نشان داد و تمثیل داستانی او در رمان سووشون یعنی یوسف از طریق مبارزه و مقاومت در برابر انگلیسی‌ها. هدف و مسیری که این دو در نظر دارند، یکسان است،

ولی ابزارهایی که به کار می‌گیرند، تفاوت دارد. بنابراین، یوسف و جلال یک نفر هستند که یکی در دنیای واقعی سیمین دانشور و دیگری در عالم انتزاعیات وی جای دارند.

یوسف که شاهد ستم انگلیسی‌ها و مزدوران ایرانی آنهاست، می‌کوشد تا تحولاتی عمیق را در سطوح گوناگون جامعه ایجاد کند. او تحقق این هدف را ساخت مراکزى چون: مدرسه، مسجد، حمام و مریض‌خانه می‌داند که با بهداشت، دین و علم افراد ارتباط دارد. اگرچه یوسف به طبقه فئودال‌ها و زمین‌داران تعلق دارد، ولی به عنوان یک روشنفکر با ضعف‌های جامعه ایران و عوامل رسیدن به ابتذال فرهنگی آشناست. او با آسیب‌شناسی جامعه به این نتیجه و باور می‌رسد که برای رشد و تعالی مردم نیاز به بازسازی زیرساخت‌ها و احداث مکان‌هایی است که در آن می‌توان فهم و درک مردم را نسبت به وقایع گوناگون ارتقا بخشید: «یوسف قلیان را کنار گذاشت: اگر آدم تنها بخواهد، می‌تواند خودش را از تنهایی دریاورد. خیلی‌ها هستند که حرف حق سرشان می‌شود و نفس حق را می‌شناسند. منتهی پراکنده هستند. خودت را با آنها از تنهایی درآر ... تو هم که نکنی، بچه‌های تو و بچه‌های دیگران خواهند کرد. از شهرها می‌گذرند، از دهات می‌گذرند، مدرسه و مسجد و حمام و مریض‌خانه می‌بینند و می‌شناسند و حسرت می‌خورند و آخرش کاری می‌کنند». (دانشور، ۱۳۸۱: ۴۸) این رویکرد، یادآور دیدگاه روشنفکران جامعه است که برای فراگیری مراکز علمی و بهداشتی در جامعه تلاش‌های بسیاری انجام داده‌اند. یوسف به مثابه یک روشنفکر به تحولات فرهنگی اعتقاد ویژه‌ای دارد.

در رمان سووشون، چهره‌های روزمره با چهره‌های مذهبی یا اسطوره‌ای درآمیخته شده‌اند که این ویژگی را می‌توان شاخصه سبکی به حساب آورد. (عبادیان، ۱۳۷۲: ۴۵) بنابراین، دانشور یوسف را شبیه به سیاوش و امام حسین (ع)^۴ ترسیم می‌کند و ویژگی‌هایی از این شخصیت‌های مذهبی و اسطوره‌ای را شرح می‌دهد. استفاده همزمان از شخصیت‌های دینی و ملی که برای معرفی و پرورش شخصیت یوسف به کار گرفته شده است، نشان از این دارد که نویسنده سعی دارد ارتباطی دوسویه و اثرگذار میان فرهنگی ایرانی-اسلامی برقرار کند و با استفاده از ظرفیت‌های هر دو فرهنگ، مفهوم ظلم‌ستیزی و تلاش برای دفاع از حق را بازنمایی کرده و در اختیار مخاطبان خود قرار دهد. همچنین، مرگ مظلومانه این شخصیت و نیز، اهداف آرمانی و اخلاق‌گرایی او هر مخاطبی را به یاد سیاوش و امام حسین (ع)^۴ می‌اندازد. به ویژه اینکه دانشور اشاره‌هایی صریح به این شخصیت‌ها کرده است.

مرگ یوسف یادآور تمثیلی دینی است که مفهوم آزادگی و ظلم‌ستیزی را بازنمایی می‌کند. نویسنده با توجه به حافظه ایدئولوژیک مردم، عبارت «یا حسین» را در بر زبان مردمی جاری می‌کند که در آیین خاک‌سپاری یوسف حضور پیدا کرده‌اند. در یک طرف، گروه خان‌ها و وابستگان حکومت مرکزی قرار

دارند (تمثیلی از ظالمان) و در طرف دیگر، مردمی که از مرگ یوسف (تمثیلی از مظلوم) اندوهگین هستند و او را برحق می‌دانند. از این‌رو، با اشاره به لفظ «یا حسین» به صورت غیرصریح به این نکته اشاره می‌کنند که تقابل و تضادی میان حق و باطل شکل گرفته است. کلیدواژه «حسین» یادآور مفهوم ظلم‌ستیزی و مظلومیت است و به عنوان ممیزه‌ای آشکار و قابل فهم برای تمییز حق (یوسف) از باطل (بیگانه و مزدورانش) به کار گرفته شده است: «حسین آقا که شانه زیر تابوت داشت، به سید محمد اشاره کرد و او را جانشین خود کرد و آمد جلو [ی] سرپاسبان و گفت: سرکار یک جوان را به تیر غیب کشته‌اند. در مرگش عزاداری می‌کنیم. همین ... کسی گفت: یا حسین! و جمعیت با صدای کِش‌داری فریاد برآورد: یا حسین!». (دانشور، ۱۳۸۱: ۲۹۷)

در مراسم تشییع یوسف، افراد بسیاری گرد هم آمده‌اند. آن‌ها صراحتاً اشاره می‌کنند که شرایط کنونی یادآور موقعیت امام حسین (ع) در کربلا و روز عاشورا است. یکی از شخصیت‌ها با نظر داشت رویدادهای کربلا، به یکی از پاسبان حکومتی می‌گوید که مخالفان با جمعیت حاضر، امثال شمر هستند که امام و یارانش را به شهادت رسانیدند و شقاوت خود را جاودانه ساختند. زری هم -که از نظر عمه خانم، تمثیل از زینب (س) است- (همان: ۳۰۱)، در این موقعیت به یاد مرگ سیاوش می‌افتد و عزاداری فعلی را با سوگ سیاوشان برابر می‌داند. ملک رستم نیز، با اشاره به کیفیت مرگ یوسف، آن را شبیه به قتل سیاوش می‌داند و امیدوار است همان‌طور که رستم انتقام خون سیاوش را از تورانیان ستانید، مردم بتوانند انتقام یوسف را از دشمنان بگیرند: «تا هزاران سال خون همه ما به کین خواهد جوشید. ملک رستم ... جامش را سر کشید و ادامه داد: خون سیاوشان». (همان: ۳۰۱)

این همسان‌انگاری‌ها برای برجسته نشان دادن مظلومیت یوسف و مردمی است که هوادار او بوده‌اند. سیاوش و حسین (ع)، صرفاً یک اسم ساده نیستند، بلکه یک فرهنگ و گفتمان عمیق را با خود حمل می‌کنند و مفاهیم ارزشمند انسانی را برای مخاطبان تداعی می‌نمایند. هنگامی که دانشور یوسف را تمثیلی از این دو شخصیت معرفی می‌کند، این بدان معناست که او قصد دارد فرهنگ ستم‌ستیزی و ایستادگی بر سر آرمان‌ها تا پای کشته‌شدن را به مخاطبان انتقال دهد. هدفی که به نظر می‌رسد با استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی و تمثیلی دو اسطوره ملی و مذهبی محقق شده است: «این بار ماشاءالله جلو آمد و گفت: سرکار، داداشت را که می‌شناسی. وقی حرفی زد روی حرفش می‌ایستد. ما قصد آشوب که نداریم. عزای همشهریمان را گرفته‌ایم. انگار که اینجا کربلاست و امروز عاشورا. تو که نمی‌خواهی شمر باشی ... زری به تلخی اندیشید: یا انگار کن سووشون است و سوگ سیاوش را گرفته‌ایم». (همان: ۲۹۷)

یوسف تمثیل و نمادی از ایستادگی در برابر دشمن و بیگانه است. او با انگلیسی‌ها رابطه‌ی مطلوبی ندارد و آنها را عامل اصلی بدبختی و سیاه‌روزی مردم می‌داند. از این‌رو، هیچ آذوقه‌ای به سربازان متجاوز بیگانه نمی‌فروشد و از همکاری با آنها امتناع می‌ورزد. با اینکه یوسف به عنوان یک خان قدرتمند، عنصری سودمند برای انگلیسی‌ها محسوب می‌شود و برقراری پیوند دوستانه میان آنها برای هر دو طرف، سودهای فراوانی به همراه دارد، اما یوسف منافع و مصالح ملی را به منافع شخصی ترجیح می‌دهد و همین امر باعث محبوبیت او در میان رعیت می‌شود: «خان کاکا آهسته [به یوسف] گفت: داداش، بیخود لج می‌کنی. هرچه باشد اینها مهمان ما هستند. همیشه که اینجا نمی‌مانند. اگر هم ندهیم خودشان به زور می‌ستانند. از قفل یا مهر و موم انبارهای تو که نمی‌ترسند ... هرچه باشد صاحب اختیار آنها هستند. یوسف گفت: مهمان ناخوانده بودنشان تازگی ندارد خان کاکا ... از همه بدتر احساس حقارتی است که دامن‌گیر همه‌تان شده ... همه‌تان را در یک چشم به هم زدن کردند دلال و پادو و دیلماج خودشان. بگذارید لااقل یک نفر جلو [ی] این‌ها بایستد تا توی دلشان بگویند: خوب آخرش یک مرد هم دیدیم.» (همان: ۱۶)

اولویت‌های یوسف با دیگران متفاوت است. او در پی تأمین حداقل‌ها برای رعیت گرفتار و گرسنه است (همان: ۱۸)، اما دیگران صرفاً به رضایت استعمار انگلیس و منافع شخصی خود می‌اندیشند. از این بابت، می‌توان یوسف را نمود و تمثیلی از روشنفکران جامعه دانست که از زوایای پنهان روابط بین‌افردی آگاه هستند و مناسبات اجتماعی را تشخیص می‌دهند. در مقابل، خان کاکا -برادر یوسف- مواضعی خلاف او دارد و تمثیلی از انسان‌های وابسته و غربگراست و سعادت را در گرو برقراری روابط با استعمار می‌داند: «خان کاکا به یوسف رو کرد و گفت: جانم، عزیزم تو جوانی و نمی‌فهمی ... آخه آن‌ها هم باید قشون به این بزرگی را نان بدهند. خودت که می‌دانی نمی‌شود قشون به این بزرگی را گرسنه نگه داشت. یوسف به تلخی گفت: اما رعیت مرا می‌شود ... همشهری مرا می‌شود گرسنه نگه داشت!» (همان: ۱۶)

جالب آنکه دانشور تقابل فکری این دو شخصیت را به خوبی نشان می‌دهد. او از زبان خان کاکا (تمثیل منفعت‌طلبی و غربگرایی) به یکی از صفات یوسف یعنی خواندن کتاب اشاره می‌کند که مبین روشنفکر بودن اوست و تخلق به همین ویژگی است که تمایزی آشکار میان سطوح فکری و فرهنگی دو برادر ایجاد می‌کند: خان کاکا گفت: هی خواب! هی خواب! در ده هم یا خواب است یا تو [ی] پشه‌بند نشسته کتاب می‌خواند.» (همان: ۲۳)

۲-۳. شخصیت‌های سر جنت زینگر و مک‌ماهون نمایشی از استعمار

نویسندهٔ رمان سووشون سال‌هایی از تاریخ ایران را روایت می‌کند که همراه با نفوذ و اشغالگری انگلیسی‌ها بوده است. آن‌ها به روش‌های نظامی و فرهنگی در اندیشهٔ تسخیر ایران بوده‌اند و در این رابطه جنایت‌های بسیاری را انجام داده‌اند. سیمین دانشور با خلق دو شخصیت «سر جنت زینگر و مک‌ماهون» این موضوع را به خوبی بازنمایی کرده است. آن‌ها اقداماتی را انجام داده‌اند که نمود عملی و عینی کنش‌های استعماری انگلیس در کشورهای مختلف از جمله ایران است. زینگر مسئول فروش چرخ خیاطی در ایران است و از این طریق، سودهای کلانی به دست آورده است: «با چه کلکی مادر زری را واداشت چرخ خیاطی بخرد. مادر زری غیر از مستمری شوهر از مال دنیا نصیبی نداشت. مستر زینگر به او گفته بود که اگر دختری چرخ خیاطی سینگر جهیزیه داشته باشد، دیگر به هیچ چیز احتیاج ندارد. گفته بود حتی مالک چرخ سینگر می‌تواند نان خودش را از چرخ خیاطی در بیاورد». (همان: ۷)

دانشور از طریق خلق و پرورش شخصیت زینگر و مک‌ماهون به انتقاد از مردان ایرانی می‌پردازد و خستی بودن و بی‌غیرتی آنان را تلویحاً ناشی از حضور استعمار و بیگانگی در این کشور می‌داند. او از رقصیدن کلنل‌های انگلیسی با زنان ایرانی در جشن عروسی دختر حاکم سخن می‌گوید و با تصویرسازی‌های دقیق و جزئی‌نگر، به تأثیرات فرهنگی نامطلوب و منفی استعمار در جامعهٔ ایران اعتراض می‌کند. او زنانی را به تصویر می‌کشد که پیش چشم همسران خود در آغوش مردان بیگانه می‌لولند و ابا و شرمی از این کار ندارند. دانشور تن دادن مردان و زنان به این فرهنگ را یکی از نمودها و مصداق‌های فرهنگی استعمار انگلیس می‌داند: «یک بار کلنل انگلیسی با عروس رقصید و یک بار هم سر جنت زینگر که عروس در بغلش مثل یک ملخک می‌لغزید. انگار پای عروس را هم چند بار لگد کرد. بعد افسرهای خارجی رفتند سراغ خانم‌های دیگر. زن‌های شهر با لباس‌های رنگارنگشان در بغل افسرهای غریبه می‌رقصیدند و مردهایشان روی مبل‌ها نشسته بودند و آنها را می‌پاییدند». (همان: ۱۱)

زینگر جاسوس دولت انگلیس در ایران بوده است. او در پوشش فروشندهٔ چرخ خیاطی فعالیت می‌کرد. طبق روایت نویسنده، به محض اینکه دولت متبوع زینگر وارد جنگ می‌شود، لباس افسری بر تن می‌کند و با افشا کردن ماهیت واقعی خود، برای انجام مأموریت جدید رهسپار می‌شود: «مستر زینگر با آن قد و بالای غول‌آسا، مفت و مجانی ... پشت چرخ خیاطی می‌نشست و گلدوزی و شبکه و چین دوقلو یاد می‌داد ... جنگ که شد، زری شنید که مستر زینگر یک شبه لباس افسری پوشیده، یراق و ستاره زده ... اندیشید خیلی طاقت می‌خواهد که آدم هفده سال به دروغ زندگی کند. کارش دروغی،

لباسش دروغی و سر تا پایش دروغ باشد. و در کار دروغی خود، چقدر هم مهارت داشت». (همان:

(۶-۷)

در گفتگویی که میان یوسف و مک‌ماهون درمی‌گیرد، قهرمان رمان به پیامدهای نامطلوب حضور بیگانگان در ایران اشاره می‌کند. او صراحتاً به فرد انگلیسی می‌گوید که شاعران و پهلوانان در این کشور به واسطه سیاست‌های استعمار از بین رفته و گوشه‌گیر شده‌اند و دیگر صدایی از آنان شنیده نمی‌شود. در مقابل، محله‌هایی مملو از زنان تن‌فروش در کشور رشد کرده و گروهی از انسان‌های فلک‌زده در فقر و ناامیدی می‌لولند. در یک نگاه کلی، یوسف برآیند حضور استعمار در ایران را گسترش انفعال، عدم کنشگری و مرگ تدریجی در میان لایه‌های گوناگون جامعه دانسته است: «به مک‌ماهون گفتم: بله جانم، مردم این شهر شاعر متولد می‌شوند، اما شماها شعرشان را کشته‌اید. گفتم پهلوان‌هایشان را اخته کرده‌اید، حتی امکان مبارزه هم باقی نگذاشته‌اید که لااقل سخنی بگویند و رجزی بخوانند ... گفتم سرزمینی ساخته‌اید خالی از قهرمان. گفتم شهر را کرده‌ای عین گورستان، پرجنب و جوش‌ترین محله‌اش، محله مُردستان ... همان محله‌ای که ساکنانش بیشتر زن‌های فلک‌زده‌ای هستند که با سرخاب و سفیدابی که به صورتشان می‌مالند، معاش می‌کنند و شما سربازهای هندی را می‌فرستید سراغشان». (همان: ۱۸)

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر، شخصیت‌های اصلی رمان سووشون از دید تمثیلی بررسی و تحلیل شده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در اثر مذکور، شخصیت زری تمثیلی از سیمین دانشور و جنس زن است. دانشور سعی می‌کند ضعف‌ها و قوت‌های این شخصیت را در سراسر رمان بازگو کند و فرآیند فردیت و رشد او را برای مخاطب عینی‌سازی نماید. زری در بخش‌های ابتدایی رمان، نماد و تمثیلی از زنان سنتی و وابسته به مردان است و هویت مستقلی ندارد. او غالباً وقت خود را در خانه می‌گذراند و توجهی به رویدادهای اجتماعی و سیاسی ندارد. در نگاه او، زندگی در کنار خانواده معنا پیدا می‌کند. در دوره دوم زندگی زری که پس از کشته‌شدن همسرش، یوسف آغاز می‌شود، شاهد خلق شخصیتی هستیم که با عبور از سنت‌های مردسالار جامعه، خود را به عنوان زنی پویا و کنشگر نشان می‌دهد. زری را باید تمثیلی از زنانی دانست که با شناخت خود واقعی به جایگاهی شایسته و بایسته در جامعه دست پیدا کرده‌اند. شخصیت دیگر، یوسف نام دارد که تمثیلی از قشر روشنفکر به ویژه جلال آل احمد است. این را می‌توان از علاقه یوسف به خواندن کتاب و غرب‌ستیزی او تشخیص داد. افزون بر

این، می‌توان یوسف را تمثیلی از سیاوش و امام حسین^(ع) دانست. نویسندهٔ رمان با ذکر نشانه‌هایی در متن، این تمثیل‌های ملی، دینی و اسطوره‌ای را در ذهن مخاطب پدید آورده است. همچنین، شخصیت‌های مک‌ماهون و سر جنت زینگر تمثیلی از استعمارگری هستند. آن‌ها به عنوان نمایندهٔ دولت انگلیس در ایران، با اقدامات خود، تلاش‌هایی را برای استثمار منابع ملی انجام می‌دهند. دانشور با خلق این شخصیت‌ها، مفهوم استعمارگری انگلیس را عینی‌سازی کرده است. در مجموع، شخصیت‌های اصلی رمان سووشون با نظر داشت اسطوره‌های ایرانی (کلاسیک و معاصر) و سامی (با رویکرد دینی و ایدئولوژیک) خلق شده و پرورش پیدا کرده‌اند.

جدول ۱. شخصیت‌های تمثیلی در رمان سووشون از سیمین دانشور

شخصیت	تمثیل	بن‌مایهٔ شکل‌گیری تمثیل
یوسف	جلال آل احمد	کیفیت رفتارها و اندیشه‌ها
یوسف	امام حسین ^(ع)	مبارزه با ستمکاران و مرگ مظلومانه
یوسف	سیاوش	مرگ مظلومانه و داشتن فرزندی به نام خسرو
زری	سیمین دانشور	قرابت فکری و رفتاری
زری	زن ایرانی	مظلومیت و مورد ستم‌دیدگی
سر جنت زینگر و مک‌ماهون	استعمار	کنش‌های استعماری و استبدادی

منابع و مأخذ

- ۱- ابن اثیر، نصرالله بن محمد، (۱۴۲۲ ق)، المثل السائر. بیروت: المكتبة المصرية.
- ۲- اسحاقیان، جواد. (۱۳۹۱). مقایسهٔ سووشون با زندگی سیمین و جلال. خبرگزاری ایسنا.
- ۳- بزرگ‌علوی، مجتبی، (۱۳۸۳)، حماسهٔ ایستادگی. به کوشش علی دهباشی. بر ساحل سرگردانی، جشن‌نامهٔ سیمین دانشور. تهران: سخن صص (۳۱۷:۳۲۰).
- ۴- پورنامداریان، تقی، (۱۳۶۸)، رمز و داستان‌های رمزی. تهران: علمی و فرهنگی. چ دوم.
- ۵- تالطف، کامران، (۱۳۹۱)، داستان‌های سیمین دانشور: تمثیل‌هایی از تعهد، تقابل و تعامل. مجلهٔ ایران‌نامه: سال ۲۷. شمارهٔ ۲ و ۳. صص (۲۲۸:۲۴۵).
- ۶- جرجانی، عبدالقاهر، (۱۳۷۴)، اسرارالبلاغه. ترجمهٔ دکتر جلیل تجلیل. تهران: دانشگاه تهران.
- ۷- دانشور، سیمین، (۱۳۸۱)، سووشون. تهران: خوارزمی.

- ۸- دستغیب، عبدالعلی، (۱۳۷۲)، سیمین دانشور و رمان سووشون. مجله ادبیات داستانی. شماره ۱۷. صص (۴۰:۴۵).
- ۹- _____، (۱۳۷۷)، کالبدشکافی رمان فارسی (تحلیل بر زنان رمان‌نویس). مجله گزارش: دوره ۱۷. شماره ۸۹. صص (۸۰:۸۴).
- ۱۰- رنجبر، ابراهیم، (۱۳۹۱)، جنبه‌های نمادین رمان سووشون. مجله فنون ادبی: سال ۴. شماره ۶. صص (۹۳:۱۰۶).
- ۱۱- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۴)، بیان و معانی. تهران: فردوسی.
- ۱۲- شیر، قهرمان، (۱۳۸۹)، تمثیل و تصویری نو از کارکردها و انواع آن. فصل‌نامه کاوش‌نامه دانشگاه یزد: سال ۱۱. شماره ۲۰. صص (۳۳:۵۴).
- ۱۳- عبادیان، محمود، (۱۳۷۲)، درآمدی بر سبک و سبک‌شناسی در ادبیات. تهران: جهاد دانشگاهی.
- ۱۴- فتوحی، محمود، (۱۳۸۳-۱۳۸۴)، تمیل (ماهیت، اقسام، کارکرد). مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی: شماره ۴۹-۴۷. صص (۱۴۱:۱۷۷).
- ۱۵- گلشیری، هوشنگ، (۱۳۷۲)، حاشیه‌ای بر رمان سووشون. مجله زنده‌رود: شماره ۴ و ۵. صص (۲۰۴:۲۱۶).
- ۱۶- میرعابدینی، حسن، (۱۳۶۹)، صد سال داستان‌نویسی در ایران (از ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷). تهران: تندر. چ دوم.
- ۱۷- همایی، جلال‌الدین، (۱۳۸۵)، فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: هما.
- ۱۸- یوسفی، غلامحسین، (۱۳۷۰)، فرخی سیستانی: بحثی در شرح احوال و روزگار شعر او. تهران: علمی.
- 19- Cuddon, J.A, (1995), A Dictionary of Literary terms. Tabriz: Nia. 4th editon.



**Journal of Research Allegory in
Persian Language and Literature**

Islamic Azad University- Bushehr Branch

No. 49 / Autumn 2021

<http://jpll.iaubushehr.ac.ir>

pISSN 2717-431X

eISSN 2717-4310



**Original Paper Investigation, analysis and allegorical
reading of the main characters of Suvashoon novel by
Simin Daneshvar**

Zahra Shooriabi¹, Mahdi Novrooz^{*2}, Batool Fakhre Eslam³, Farzad Abbasi⁴

Abstract

Allegory is used as one of the most important literary tools to express various lyrical, didactic, epic, mystical and ... concepts. This level of flexibility has led to the persistence of the role of allegory in the field of literature, so that we see its use in the field of contemporary Persian fiction. In the meantime, Simin Daneshvar's novel Suvashoon has mystical and allegorical layers that have added to its semantic complexities. In this research, with reference to library sources and descriptive-analytical method, an attempt has been made to study and explore the primary and secondary intentions of Simin Daneshvar in the novel Suvashoon to answer the question that the characters Zari, Yousef, Sir Jenet Zinger and Sohrab Malek, What are allegories of people and what concepts were created to explain them? The results of the research show that in this novel, the golden character is an allegory of Simin Daneshvar, the female gender and the country of Iran. Yusuf's character is an allegory of the intellectual class, especially Jalal Al-Ahmad, Mohammad Mosaddegh, Imam Hussein and Siavash. Also, the character of Sir Jenet Zinger is an allegory of colonialism and the character of Sohrab Malek is an allegory of confrontation with patriarchal society. The use of Persian and Semitic myths to cultivate allegories has been prominent.

Keywords: Simin Daneshvar, Suvashoon, allegory, personality.

1-PhD Student. Department of Persian Language and Literature, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran

2-Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran

3-Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran

4-Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran

